

عباس اقبال آشتیانی

امیر کبیر

برآمدن، زندگی، صدارت و فرجام کار میرزا تقی خان امیر کبیر

ویرایش تازه



مؤسسه انتشارات نگاه

آنچه می خوانید

- پیش گفتار..... ۷
- فصل اول.** اصل و نسب و ابتدای کار امیر..... ۱۵
- سفر روسیه..... ۲۲
- محمدخان امیرنظام زنگنه و میرزا تقی خان امیر..... ۲۷
- مسافرت به ایروان..... ۳۳
- سفارت ارزنة الروم..... ۳۷
- فصل دوم.** جلوس ناصرالدین شاه و صدارت امیرکبیر..... ۷۷
- ازدواج با عزّة الدّوله و شورش نظامیان..... ۹۶
- فصل سوم.** فتنه سالار..... ۱۰۳
- فصل چهارم.** روزنامه و قایع اتفاقیه..... ۱۲۳
- بنای مدرسه دارالفنون..... ۱۳۴
- فصل پنجم.** امیرکبیر و علمای دین و مسایل مذهبی..... ۱۴۱
- فصل ششم.** اوضاع مالی ایران در عهد محمدشاه..... ۱۵۳
- مجملی از احوال حاجی میرزا آقاسی..... ۱۵۶
- فصل هفتم.** نظام جدید لشکری..... ۱۶۹
- فصل هشتم.** وزارت دول خارجه..... ۱۹۱
- جلوگیری از مداخله خارجیان..... ۲۰۵
- مسئله یک کرور باقیمانده خسارت جنگ..... ۲۱۶
- فصل نهم.** روابط ایران و فرانسه..... ۲۲۱

۲۵۵	فصل دهم. تفصیل عزل امیر و دوره اقامت او در فین کاشان.....
۲۷۹	فصل یازدهم. تفصیل قتل امیر.....
۲۹۴	آثار سوء قتل امیر.....
۲۹۸	مقبره امیر.....
۳۰۰	عزلة الدوله بعد از قتل امیر.....
۳۰۳	فصل دوازدهم. کسان و بازماندگان امیر.....
۳۱۳	پیوست‌ها.....
۳۱۵	مقالات مرحوم عباس اقبال درباره امیر کبیر.....
۳۱۶	مقالات در تاریخ قاجاریه که با امیر کبیر ارتباط دارد.....
۳۱۶	تواریخ راجع به دوره قاجاریه.....
۳۱۸	طرح اصلی فصول کتاب امیر کبیر.....
۳۲۰	سندی درباره عزل امیر کبیر.....
۳۲۳	دارالفنون.....
۳۳۲	برنامه آموزشی.....
۳۳۴	طرز اداره.....
۳۳۶	روزنامه وقایع اتفاقیه.....
۳۴۸	ترجمه و نشر کتاب.....
۳۵۵	قره العین.....
۳۷۴	امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با «استعمار».....
۳۷۵	شرایط زیست و پرورش امیر.....
۳۷۸	همراهی با ولیعهد.....
۳۷۹	از تبریز تا تهران در راه صدارت.....
۳۸۰	صدارت.....
۳۹۱	فرمان قتل.....
۳۹۱	جریان قتل امیر.....
۳۹۵	نقدی بر بدخوانی‌های تاریخی درباره امیر کبیر.....
۴۰۱	امیر کبیر (فریدون مشیری).....
۴۰۵	نمایه‌ها.....

فصل اول

۱

اصل و نسب و ابتدای کار امیر

اصل امیر از ده هزاوه است از قرای بلوک فراهان عراق و این ده تا شهر سلطان آباد کرسی عراق قریب دو فرسنگ فاصله دارد و در جهت شمال غرب این شهر واقع است. در این ده تا مدتی خانه‌هایی موجود بوده است که آنها را به علت تعلق به مرحوم میرزا تقی خان یا کسان او خانه‌های میرزا تقی خان و محله‌ای را هم که خانه‌ها در آن جا قرار داشته محله میرزا تقی خان می‌گفتند.^۱

پدر میرزا تقی خان امیر کربلایی محمد قربان است. به مناسبت مجاورت قریه مهرآباد فراهان که اصل خاندان قائم مقام از آن جا بوده با هزاوه موطن و مسکن کربلایی محمد قربان پدر امیر، این مرد در عداد خدمتکاران قائم مقام اول یعنی مرحوم میرزا عیسی معروف به میرزا بزرگ درآمد و در دستگاه او سمت آشپزی پیدا کرده و بعدها در پیش قائم مقام ثانی ناظر آشپزخانه و در پیری قاپوچی او شده است. در منشآت قائم مقام دو بار به مناسباتی ذکر کربلایی محمد قربان آمده است.^۲

در سال ۱۲۱۳ میرزا بزرگ قائم مقام اول به وزارت عباس میرزای ولیعهد از طهران عازم تبریز گردید. معلوم نیست که کربلایی محمد قربان هم در این سفر با قائم مقام

۱. سفرنامه عراق ناصرالدین شاه، ص ۶۲.

۲. منشآت قائم مقام، ص ۱۹۲ و ۴۲۴.

اول به تبریز رفته یا بعد در آن جا به خدمت او پیوسته است به همین وجه درست دانسته نشد که تولد امیر در کجا اتفاق افتاده در فراهان یا در طهران یا در تبریز و سال تولد او نیز به دست نیست (باید از عکسی که در خانواده نظام الدوله بوده یا هست و در کتاب آدمیت به آن اشاره شده برای تولد امیر استفاده کرد). چه شمار سنین او را هنگام قتل او به دست نداریم، اما از بعضی قراین چنین برمی آید که تولد امیر باید مقارن همین ایامی که قائم مقام بزرگ مأمور آذربایجان شده یعنی ۱۲۱۳ یا اندکی قبل یا کمی بعد از آن باشد. و این نکته را از دو مراسله ای که بین میرزا احمدخان ساعدالملک پسر امیر و عزیزخان سردار کل داماد امیر و شوهر خواهر تنی ساعدالملک رد و بدل شده می توان استنباط کرد. این است عین مراسله ساعدالملک به عزیزخان سردار کل:

«قرابانت شوم، به زیارت دستخط مبارک که در جواب عریضه فدوی صادر شده بود فایز گردید. هرچه فرموده و بفرمایید بدیهی است از روی کمال مرحمت و تربیت است. این که مرقوم بود در این مدت دوازده سال^۱ اعتقاد کمترین گویا چنین بوده است که از جانب خدایگانی بذل مکرمتی در حق فدوی نشده عرض و استدعا را واضح تر معروض می دارد در حالتی که اعتقاد حضرت خدایگانی در اعتقاد فدوی این طورها باشد دیگر چه جای استدعاست تا امروز مطلبی را که ده درجه بالاتر از آن را که قوه حضرت خدایگانی بوده است مبذول فرمایند جسارتی نکرده است چگونه عرض و تکلیف بی قاعده و شاق خواهد نمود. بالجمله بهتر این است که عرضی نکرده باشد به هر چه خدمت دوازده ساله خود و حقوق چهل ساله مرحوم امیر مقتضی است به شایستگی التفاتی خواهند فرمود و تکلیف کمترین را در نوکری یا بیکاری معین خواهند فرمود که هر شبی ماهی و هر روزی سالی به این کمترین می گذرد. الامرالعالی مطاع.»

جواب سردار کل که در پشت مراسله میرزا احمدخان ساعدالملک به خط خود

نوشته:

۱. ظاهراً یعنی دوازده سال پس از فوت امیر و در این تاریخ عزیزخان سردار کل پیشکار ولیعهد در آذربایجان و سردار کل عساکر بود.

«فرزندا، نوشتجات شما طوری که به نظر می‌آید دور نیست که حق به طرف شما باشد و من ملتفت نشده باشم آن روز در اندرون، پاره‌ای حرف‌ها شنیده بودم از شما پنهان نکرده در دل نگاه نداشتم به خودتان گفتم جوابی دادید ساکت شدم چه کنم با این حالت‌ها که از شما می‌شنوم و می‌بینم کسانی که با من بر خلافند با شما محرمند از آن جمله شعاع السلطنه^۱ از روزی که آمده در بیرون و اندرونی نبوده که از من بد نگوید با شما می‌نشیند خلوت می‌کند طومار عملکرد آذربایجان و غله آن جا را به شما می‌نماید و شما تصدیق می‌کنید و میرزا احمد^۲ جا و مکان را معلوم می‌نماید به من می‌نویسی حقوق مرحوم امیر من با مرحوم این‌طور بوده چهارده سال سلطنت محمدشاه مرحوم بود چهار سالش او در ارزنة الزّوم من در شیراز، در ده سال دیگرش به همه جهت من سه سال خانه و خودم را دیدم همه را در طهران برای رفع دشمنی‌ها می‌ماندم در طهران من چه کار داشتم، سرتیپ بودم، سرهنگ بودم، حکومت داشتم در این اواخر که وزیر نظام شد دشمن کوچکش محمدخان امیر نظام بود که به مرحوم فرج‌خان گفت برادرت میرزا تقی را بر من ترجیح می‌دهد در طهران چه کار دارد خلاصه از این قبیل حرف‌ها و صدمه‌ها خیلی دیدیم غرض اطلاع تو بود هر طور صلاح در پیشرفت کار خودت می‌دانی البته خوبست. انتهى.»

چون در مراسله قبل صحبت از «حقوق چهل ساله مرحوم امیر» است چهل سال قبل از قتل او برابر می‌شود با ۱۲۲۸ یعنی سال شانزدهم سلطنت فتحعلی‌شاه و نه سال قبل از فوت میرزا بزرگ قائم‌مقام اول که در ۱۲۳۷ اتفاق افتاده.

پس اگر فرض کنیم که ابتدای خدمت چهل ساله امیر در دستگاه قاجاریه چنان‌که پسرش در مراسله خود خطاب به سردار کل به آن اشاره می‌کند در همین حدود ۱۲۲۸ یا نظر به اغراقی که ممکن است در این بیان باشد اندکی بعدتر یعنی در حدود ۱۲۳۰ بوده پس در این تاریخ امیر لا اقل سنی بین ۱۵ و ۲۰ داشته است تا بتوان او را قابل دخول در خدمت شمرد. بنابراین تولد او بایست در حدود ۱۲۱۵-۱۲۱۰ اتفاق افتاده

۱. مقصود از این شعاع السلطنه علی‌العجاله معلوم نشد.

۲. یعنی میرزا احمد منشی‌باشی مازندرانی منشی عزیزخان سردار کل (تاریخ تبریز ص ۲۱۶).